

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینة ایران

شباهنگ راد

۱۰/۱۱/۲۴

جمهوری اسلامی نظام توحش و سرکوب

قدرت سیاسی حاکم بر ایران مدیون وحشی‌گری و سرکوب اعتراضات کارگری – توده‌ئی‌ست. از دیر باز نظام‌های وابسته این‌چنین کردند و رژیم جمهوری اسلامی هم در چنین چهارچوبه‌ای در پیش است. داستان به یغما بردن سرمایه‌های مملکت و به بند کشیدن مخالفان در ایران تمام شدنی نیست. آمده‌اند تا بر گسترش فقر و فلاکت و بی‌خانمانی بیفزایند و آمده‌اند تا زندگی محرومان را به تباهی کامل بکشانند. هیچ دوره و برهه‌ای از زمان را نمی‌توان شاهد گرفت که فضای جامعه ایران خالی از بگیر و ببند و سرکوب مخالفان و اعتراضات توده‌ئی باشد. سؤال این است که چرا رژیم جمهوری اسلامی این‌چنین دست به توحش و وحشی‌گری علیه اعتراضات مردمی می‌زند و یک‌لحظه از سرکوب آن‌ها باز نمی‌ماند؟ چرا بر فضای جامعه ایران سایه زور و طناب و آزار و اذیت و شکنجه و مثله نمودن بدن هزاران انسان مخالف حاکم‌فرماست و چشم‌اندازی در تغییر آن متصور نیست؟ آیا سرکوب و استنثار میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش ابدی‌ست؟ آیا جامعه بایست و می‌باید شاهد تلف شدن بیش از این کودکان – به عنوان آینده‌سازان - جامعه باشد؟

حکایت و داستان حاکمیت، کاملاً روشن و گویاست. می‌داند که به دنبال چیست و به تبع آن می‌داند که با اتخاذ کدامین سیاست‌ها و تاکتیک‌ها می‌باید به پیش رود و جنبش‌های اعتراضی را پس زند. با نیروی اندک و اما مسلح قادر گردیده است تا بر اکثریت آحاد جامعه مسلط گردد. بر قوانین و رسم و رسوم ماندگاری آشناست و می‌داند که از درون خطری متوجه طبقه سرمایه‌دار نیست و می‌داند که جنبش‌های کارگری – توده‌ئی فاقد هدایت و رهبری سالم‌اند. به همین دلیل مانور می‌دهد و می‌گیرد و می‌کشد تا حاکمیت ظالمان پا بر جا بماند. در حقیقت چرخش سرمایه در ایران در چنین ریلی قابل توضیح‌ست. این را بارها و بارها سران نظام و علناً اعلام نموده‌اند که پیشبرد هرگونه سیاستی در ایران منوط به دخالت‌گری‌های مستقیم ارگان‌های مسلح است. بیهوده نیست که با دار و طناب، گلولی قربانیان نظام امپریالیستی را می‌فشارند؛ بیهوده نیست که سینه مخالفان را با گلوله سوراخ سوراخ می‌کنند و بیهوده نیست که اعتراضات کارگری را به خاک و خون می‌کشانند.

هزاران تعرض به جان و مال توده‌های ستمدیده را می‌توان ردیف نمود و نشان داد که سران حکومت، همه هم و غم‌شان تأمین منافع سرمایه‌داران است. دهه‌هاست که ماشین سرکوب را روغن‌کاری میکنند تا مبادا روزی موتور استثمار چپاول‌شان با مشکل جدی روبرو گردد. نگاه کنید که چه زندگی نکبت‌باری را به ملیون‌ها انسان محروم تحمیل نموده‌اند. همه‌جا، رنگ نداری و دربدری به چشم می‌خورد؛ همه‌جا را نیروهایش فُرق کرده‌اند و در صف مقدم جبهه سرمایه‌داران جانی، به سرکوب جنبش‌های مردمی می‌پردازند. به بیانی دیگر کاروان مسلح رژیم همچنان در پیش است و تشنه قلع و قمع اعتراضات به حق محرومان است. چرا که رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب زاده شده و با سرکوب رشد نموده است و تنها و تنها با خشونت عریان و عنان گسیخته، قادر به حکومت‌داری است. طبعاً به چنین روش و رویه‌ای نیازمند است و بدون انجام روزانه آن هیچ است. این واقعیات باطنی جمهوری اسلامی است و به غیر از این نمی‌توان تعریفی از آن ارائه داد. توصیفی به غیر از این از رژیم به معنای لگدمال نمودن مطالبات کارگری - توده‌ئی و حمایت بی چون و چرا از طبقه انگل صفت جامعه است. به عبارتی صحیح‌تر، ماندگاری یک‌روزه این رژیم مترادف با تخریب و کُشت و کُشتار بیش از این زندگانی انسان‌های رنج‌دیده است. این رژیم حامی مردم محروم نیست و مستحق نابودی است. این رژیم همه تلاشش بر آن است که بر دامنه فقر و فلاکت بیفزاید. به خیال خود می‌خواهد با کُشت و کُشتار فضای جامعه را در جهت امیال سیاسی خود کانالیزه نماید و می‌خواهد با خط و نشان کشیدن‌ها و با زنده نگه داشتن میادین اعدام و شکنجه، مانع رادیکالیزه شدن اعتراضات توده‌ئی گردد. می‌گیرد و می‌زند و دسته‌های ارذال و اوباش مسلح به راه می‌اندازد تا جنبش‌های اعتراضی را مرعوب خویش سازد. اما علی‌رغم تمامی تشبئات و حلیه‌گری‌ها، تاکنون نتوانسته است سیاست‌های ارتجاعی خود را به تمام و کمال به کارگران و ملیون‌ها انسان محروم حقه نماید؛ نتوانسته است به یمن زور و سرکوب ریشه اعتراضات مردمی را بخشکاند.

دهه‌هاست که تنش، زور و زور آزمائی در صحن جامعه قابل رؤیت است و دهه‌هاست که فضای جنگ بر اقصا نقاط جامعه سایه انداخته است و طبعاً زمانی جامعه شاهد پس زدن زور ارتجاعی خواهد بود که نیروی مدافع جامعه انسانی در درون قد علم نماید و از زور سازمان‌یافته سود جوید. چرا که این جنگی است که سرمایه‌داران وابسته و جانی و سران رژیم جمهوری اسلامی به راه انداخته‌اند و بی‌تردید بدون گام نهادن عملی در چنین پروسه‌ای سخن گفتن از چشم‌اندازهای روشن بی‌معناست. در حقیقت این سازمان مسلح حاکم بر ایران است که، چنین سیاستی را به طبقات زیر دست تحمیل نموده است و راهی به غیر از برخورد عکس‌العملی در مقابل ملیون‌ها توده محروم باقی نگذاشته است. روشن است که رژیم جمهوری اسلامی با هیچ منطق و زبانی به غیر از منطق و زبان زور و خشونت آشنا نیست و نشان داده است که بقاء و پایداری وی با سلاح گره خورده است و با سلاح هم است که به عقب رانده خواهد شد. تنها و تنها با اتخاذ چنین سیاستی - یعنی کار بست قهر انقلابی - است که می‌توان نوید زندگی بهتر را داد و جامعه را به سمت بهروزی و کامیابی هدایت نمود. به راستی که جامعه ایران مستحق تغییر روند کنونی است. این خواست را هزاران بار محرومان ایران و آن‌هم با زبان‌های گوناگون اعلام نموده‌اند و همچنان بر نابودی همه مدافعین نظام ظالمانه تأکید می‌ورزند. اما در مقابل دشمنان کارگران و زحمت‌کشان با تمام قواء در صددند تا از دامنه رادیکالیزم مبارزاتی توده‌ها بکاهند و آنانرا به سمت سیاست‌های رفرمیستی، سیاستی که در خدمت به منافع طبقات بالاست هدایت نمایند. همه تلاش‌شان بر آن است تا جنبش‌های کارگری - توده‌ای، مسیر صحیح خود را باز نیابند و در حیطه قانون تعریف شده‌شان، عرض اندام نمایند. به همین دلیل عناصر و جریان‌ات

مدافع خود را به درون جنبش‌های اعتراضی روانه نموده‌اند تا بر اوضاع مسلط گردند؛ جریانات و عناصری که در عمل نشان داده‌اند، قصد و هدفی به غیر از به کجراه بردن مبارزات مردمی بر عهده ندارند.

مسلم است تا زمانی که بر سر اعتراضات مردمی، ایده‌ها، جریانات و عناصر سالمی حاکم نگردد، حاکمیت سرمایه در ایران دست نخورده باقی خواهد ماند. به اثبات رسیده است تا زمانی که حاکمیت سرمایه در صحن جامعه چنگ انداخته است، زور و سرکوب همچون هیولائی سهمگین بر شانه‌های خمیده میلیون‌ها انسان رنج‌دیده سنگینی خواهد کرد. در تجربه به اثبات رسیده است که این قوانین ظالمانانه، در هم ریختنی است و به اثبات رسیده است که زمانی می‌توان مردم را از شر هرگونه مظالم امپریالیستی نجات داد که نیروهای مدافع وی در جهت تغییر اوضاع ناهنجار جامعه به پاخیزند و به منظور به سر انجام رساندن انقلاب، به جنگ با ضد انقلابیون مسلح بپردازند. این راهی است که نظام‌های امپریالیستی و رژیم وابسته آنان یعنی رژیم جمهوری اسلامی در مقابل آنان قرار داده است و تنها با گام نهادن عملی در چنین مسیر و پروسه‌ای است که می‌توان از چشم‌اندازهای روشن سخنی به میان آورد و نوید جامعه‌ای سرشار از آزادی و سرزندگی را داد که در آن نه از جنگ و کُشت و کُشتار خبری باشد و نه از بی‌حقوقی محرومان و تلف شدن کودکان.

۲۳ نوامبر ۲۰۱۰

۲ آذر ۱۳۸۹